

تفکر قالبی درباره جنسیت و کم‌نمایی شخصیت زنان در کتاب عکس‌دار کودکان

معلاه وائق^۱، مهدی پورمحمد^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی شناختی، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی

۲. استادیار زبان‌شناسی شناختی، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

Dominant Views on Gender and Underrepresenting Women's Character in Children's Picture Books

Ma'lah Vasegh¹, Mehdi Purmohammad^{2*}

1. Ph.D. Candidate in Cognitive Linguistics, Institute for Cognitive Science Studies

2. Assistant Professor of psycholinguistics, Institute for Cognitive Science Studies

Received: 2019/02/04

Accepted: 2019/09/21

Abstract

Children's and adolescent literature plays an important role in socializing the audience and reflects the conditions of society, beliefs, traditions and opinions that shape readers' mentality and perception of the various phenomena on which they are based. One of the most important aspects of socializing is the formation of concept of gender identity in the children's mentality, which stabilizes in adolescence. The fictional literature as the most socially used genre can be the best source to present the image that Iranian children and adolescence literature have about the concept of gender. Children get acquainted to the new world through the book and gain new and different experiences. The present study investigates the status and role of women, men and gender stereotypes in child literature. A total number of 200 Persian fiction books were analyzed. The results show that a gender-based discrimination was found in the books awarded as the top best-selling books by Iran Center for the Intellectual Development of Children and Younh Adult for a decade from 1385 to 1395. In these books, the number of male characters and names was almost twice as much as female characters. The main female characters of the text were seen more often. This article investigates the stereotypes of children's picture books which play a role in shaping gender identity.

Keywords: Children's literature, Dominant thinking about gender, Gender stereotyping, Overshadowing women, Sociolinguistics.

چکیده

ادبیات کودک و نوجوان نقشی مهم در اجتماعی‌شدن مخاطب دارد و بازتاب شرایط جامعه، باورها، سنت‌ها و عقایدی است که بر پایه آنها، ذهنیت و تلقی خوانندگان از پدیده‌های مختلف شکل می‌گیرد. یکی از مهمترین جنبه‌های اجتماع‌شدن شکل‌گیری مفهوم هویت جنسیتی در ذهن کودک است که در دوران نوجوانی به ثبات می‌رسد. ادبیات داستانی اجتماعی‌ترین گونه ادبیات است که می‌تواند بهترین منبع برای دستیابی به تصویری باشد که ادبیات کودک و نوجوان ایران در طول زمان از مفهوم جنسیت ارائه داده است. کودکان از طریق کتاب با دنیای جدیدی آشنا می‌شوند و تجربیات جدید و متفاوتی کسب می‌کنند. تحقیق حاضر به بررسی جایگاه و نقش زن، مرد و کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات کودک می‌پردازد. در مجموع، ۲۰۰ کتاب داستان فارسی بررسی شد. نتایج بررسی نشان داد که در میان کتاب‌های پرفروش از سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵، در بازه زمانی ده‌ساله، نمونه کتاب‌هایی که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن‌ها را کتاب برتر معرفی کرده است، تبعیض جنسیتی یافت می‌شود. تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان تقریباً دوبرابر زنان بود. شخصیت‌های اصلی زن متن بیشتر دیده می‌شدند. در این مقاله، درباره قالب کتاب‌های عکس‌دار کودکان که در شکل‌گیری هویت جنسیتی بالا دارد پژوهش شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودکان، تفکر غالبی درباره جنسیت، رفتار قالبی در برابر جنسیت، کم‌نمایی زنان، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Mehdi Purmohammad

Email: m_purmohammad@yahoo.com

* نویسنده مسئول: مهدی پورمحمد

مقدمه

بررسی هویت جنسیتی در متون ادبی موضوعی میان‌رشته‌ای است که به‌نوعی با مباحث جامعه‌شناسی پیوند می‌خورد (میرهوف^۱، ۲۰۰۶: ۳۸۶)؛ زیرا یا نویسندگان جنسیت را در چارچوب کلیشه‌های رایج نشان می‌دهند و گفتمان مسلط اجتماعی را بازتولید می‌کنند یا تصویری متفاوت با آن را متناسب با تغییرات جامعه در طول زمان ارائه می‌کنند، تغییراتی همچون مانند توسعه شهرنشینی، رشد طبقه متوسط و تغییر ترکیب جنسیتی در عرصه‌هایی چون اشتغال و تحصیل.

ادبیات در دوره‌های مختلف آیینی جامعه است که علاوه بر انعکاس تصویر و ویژگی‌های جامعه، امکان آسیب‌شناسی آن را نیز فراهم می‌کند. ادبیات کودک و نوجوان که زیرمجموعه‌ای از ادبیات است همین ویژگی را نیز دارد و مهم است؛ زیرا اگر از اصلی‌ترین هدف آن که ایجاد لذت و سرگرمی در مخاطب است بگذریم، یکی از ابزارهایی است که مخاطب را برای اجتماعی شدن آماده می‌کند؛ مخاطبی که شاید با خواندن آثار ادبی تجربه‌هایی را از سر گذرانده و با موضوعات و مفاهیمی روبه‌رو شود که هنوز فرصت تجربه کردن آن‌ها را در عرصه اجتماع نداشته است. با توجه به این موضوع چگونگی بازنمایی جنسیت در ادبیات و رفتارهای وابسته به آن اهمیت می‌یابد. «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند پرورشی که روح اطفال از راه گفتن حکایات به دست می‌آورد، به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آن‌ها با ورزش پیدا می‌کند» (فرمهر منجزی، ۱۳۹۳). قصه‌ها و افسانه‌ها همواره در رشد و کمال ذهنی و فرهنگی انسان‌ها مؤثر بوده‌اند و زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولید آن‌ها، رفتار، تفکر، احساس، مذهب، اخلاق و اعتقادات هر جامعه را نشان داده‌اند. ادبیات کودک و نوجوان نقشی مهم در اجتماعی شدن مخاطبش دارد و بازتاب شرایط جامعه، باورها، سنت‌ها و عقایدی است که بر پایه آن‌ها ذهنیت و تلقی خوانندگان را از پدیده‌های مختلف شکل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اجتماعی شدن شکل‌گیری مفهوم هویت جنسیتی در ذهن کودک است که در دوران نوجوانی به ثبات می‌رسد. هویت جنسیتی درکی است که فرد از جنسیت خود دارد. این درک معمولاً با نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های جامعه گره می‌خورد. ادبیات داستانی اجتماعی‌ترین

گونه ادبیات است. آثار ادبیات داستانی کودک و نوجوان ایران بهترین منبع برای دستیابی به تصویری‌اند که ادبیات کودک و نوجوان ایران در طول زمان از مفهوم جنسیت ارائه می‌دهد. زبان و جنسیت یکی از موضوعات اساسی در جامعه‌شناسی زبان است که به ارتباط زبان با بازنمایی‌های جنسیت در رفتارهای زبانی می‌پردازد. ما برای بررسی این موضوع نخست با طرح چند سؤال و بحث درباره آن‌ها به بررسی میدانی خواهیم پرداخت.

هویت جنسیتی چیست؟

هویت جنسیتی^۲ به معنای تشخیص ذهنی فرد از خود به‌عنوان مرد یا زن است. تشخیص هویت جنسیتی از کودکی شروع می‌شود و در نوجوانی تقویت می‌گردد و به ثبات می‌رسد. هویت جنسیتی درکی است که فرد از جنسیت خود دارد. هویت جنسیتی فرد در واقع شامل ابزار جنسیتی فرد در جامعه، خانواده یا در ذهن خود فرد است که ممکن است مردانه یا زنانه باشد و ممکن است ابزار جنسیتی فرد^۳ با اندام‌های جنسی زمان تولدش سازگار و یکسان نباشد. مثلاً ممکن است فردی با اندام جنسی زنانه متولد شود اما رفتار مردانه داشته باشد و هویت جنسیتی فرد مردانه باشد. تشخیص هویت جنسیتی فرد رابطه نزدیکی با فرهنگ جامعه مورد نظر دارد. ممکن است رفتاری در فرهنگ یک جامعه زنانه تلقی شود اما در جامعه دیگر مردانه. در اکثر جوامع جنسیت را بر دو مبنای زنانه و مردانه می‌سنجند اما ممکن است فرد خود را هیچ‌کدام یا هر دو (مانند دوجنسیتی‌ها) یا جنسیت سوم تصور کند مانند هیجراها. اختلال هویت جنسیتی یا اختلال هویت جنسی زمانی رخ می‌دهد که ذهنیت فرد از جنسیت خویش با اندام جنسی زمان تولد خود متفاوت است مثلاً فرد با اندام جنسی مردانه متولد شده اما خود را زن تصور می‌کند و رفتار زنانه می‌کند. به این افراد به اصطلاح دگرجنسگونه یا تراجنسیتی گفته می‌شود این اختلال ممکن است در کودکی یا در زمان بلوغ رخ دهد.

جنسیت‌گرایی در زبان

مسئله دیگر در مطالعه جنسیت و زبان، مسئله جنسیت‌گرایی در زبان است. استدلال این است که نحوه کاربرد زبان (چه توسط مردان و چه توسط زنان)، می‌تواند دیدگاه‌های قالب در مورد جنسیت را ارتقاء بخشد و مردها

2. gender identity
3. gender Expression

1. Meyerhoff, Miriam

را به صورت مهم‌ترین جنسیت نشان دهد (اسپندر، ۱۹۹۰: ۲۵)، در کتاب مردان زبان را ساخته‌اند^۱ به جنسیت‌گرایی در زبان می‌پردازد و استدلال می‌کند که زبان را مردها می‌سازند و همین امر سلطه مردان را افزایش می‌دهد. او معتقد است که مردان، به‌عنوان گروه مسلط، زبان، تفکر و واقعیت را به وجود آورده‌اند. برای نمونه، دانشجویان موضوع‌هایی نظیر علم با دانش اجتماعی را یاد می‌گیرند.

آیا تبعیض جنسیتی در کتاب‌های عکس‌دار مهم هستند؟

کسانی که طرفدار حقوق زنان هستند و بسیاری از والدین، چه طرفدار حقوق زنان باشند چه نباشند، به این مسئله اهمیت می‌دهند. اولاً، شواهد نشان می‌دهند که تعصب جنسیتی در کتاب‌ها اهمیت دارد. چراکه نمایش کلیشه‌ای از جنسیت‌ها و کم‌نمایی شخصیت‌های زنان در پیشرفت کودکان اثر منفی می‌گذارد، بلندپروازی آن‌ها را برای شغلشان محدود می‌کند، رفتارشان به‌عنوان والدین آینده را تشکیل می‌دهد و حتی روی ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. دوماً، نتایج تحقیقات آزمایشی حاکی از آن است که تعصب جنسیتی در کتاب‌های عکس‌دار برای کودکان مضر است. (شاو و اسکات^۲، ۱۹۸۴: ۱۸۳-۱۹۳) ۲۱ تحقیق راجع به تأثیرات جنسیت‌گرایی در مقابل جنسیت‌زدگی در روش‌های آموزشی کودکان را مرور کردند (برای مثال شخصیت‌های مرد در مقابل شخصیت‌های زن؛ استفاده از ضمیرهای مربوط به جنسیتی خاص در مقابل استفاده از ضمیرهای کلی و بدون جنسیت‌گرایی). متغیرهای وابسته در ۲۱ تحقیق شامل این موارد می‌شدند: رفتارهای مربوط به هر جنس و تمایل به فعالیت‌های سنتی در مقابل غیرسنتی. این پژوهشگران گرایش پایداری را برای موارد مربوط به جنسیت‌گرایی کشف کردند که تعصب کودکان را تقویت می‌کرد در یک پژوهش (اشتون^۳، ۱۹۷۸: ۱۲-۱۸) کودکان ۳ تا ۵ سال کتاب‌های تصویری که در آن‌ها تبعیض جنسیتی وجود داشت یا کتاب‌های بدون تبعیض جنسیتی را خواندند. کودکانی که کتاب‌های شامل تبعیض جنسیتی را خواندند در انتخاب اسباب‌بازی‌هایشان بیشتر کلیشه‌ای فکر می‌کردند و تعصب داشتند. بر اساس این پژوهش‌ها و پژوهش‌های دیگر،

(توگنولی، پولن و لیبر^۴، ۱۹۹۴: ۲۷۲-۲۸۰) اضافه کرده‌اند که تبعیض جنسیتی در کتاب کودکان به پسرها حس محق بودن می‌دهد و عزت‌نفس و اشتیاق شغلی دختران را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، (ویتزمن، ایفلر، هوکادا و راس^۵، ۱۹۷۲) بر این باورند که کمبود شخصیت‌های زن در کتاب‌ها هم به پسران و هم دختران آموزش می‌دهد که ارزش دختران از پسران کمتر است (پیترسون و لاج^۶، ۱۹۹۰: ۱۸۵-۱۹۷) نیز به این نکته اشاره دارند که ادبیات کودکان استانداردهایی برای پسرها و دخترها ایجاد می‌کند. (پیتر^۷، ۱۹۷۹: ۲۵۶-۲۶۰) مدل‌های رفتاری تعیین‌شده‌ای در جامعه عرضه می‌کند که ممکن است کودکان تقلید کنند (راشلین و ووگت^۸، ۱۹۷۴: ۵۵۶-۵۴۹) مدلی بنیادی برای درک خود و دیگران عرضه می‌کند.

اکثر پژوهش‌هایی که میزان تعصب را در کتاب‌های کودکان ارائه می‌دهند روی کتاب‌های عکس‌دار تمرکز کرده‌اند تا کتاب‌های معمولی یا بقیه نوشته‌ها. اولیاء وقتی که فرزندانشان خیلی کم‌سن‌وسال هستند برای آن‌ها کتاب‌های عکس‌دار می‌خوانند (پولیشتا، سربین و مولر^۹، ۱۹۹۳: ۷۲۳-۷۳۷). سن ۳ تا ۵ سالگی شروع یادگیری تمایز میان جنسیت‌ها است و این سن آغاز تشکیل رفتارهای کلیشه‌ای نسبت به جنسیت است؛ بنابراین نقش جنسیت‌ها و تعداد شخصیت‌های مذکر یا مؤنث در کتاب‌ها امکان دارد که روی رشد نقش جنسیتی و خویش‌شناسی کودکان تأثیر داشته باشد.

به‌طور خلاصه، شواهد نشان می‌دهد که تبعیض جنسیتی در کتاب‌های عکس‌دار کودکان روی کودکان تأثیر می‌گذارد و کسانی که طرفدار حقوق زنان هستند و پدران و مادران با خطمشی‌های گوناگون این تأثیرات را منفی می‌دانند. اگر تنها تعداد کمی از کتاب‌های عکس‌دار محتوای مربوط به تبعیض جنسیتی داشته باشند، تأثیرات مضر کاهش پیدا می‌کند.

تبعیض جنسیتی در کتاب‌های عکس‌دار: چه مقدار؟

متأسفانه به دلیل اینکه تعصب جنسیتی در کتاب‌های ادبیات کودکان همه‌جا منتشر شده است، میزان تأثیرات منفی آن بالا است. مطالعات گذشته کتاب‌های عکس‌دار کودکان از دهه ۷۰ و قبل از آن (فیشر، ۱۹۷۶؛ نیلسن، ۱۹۷۱؛ ویتزمن،

4. Tognoli, Pullen and Lieber (1994)
5. Weitzman, Eiffler, Hokoda, and Ross (1972)
6. Peterson & Lach, 1990
7. St. Peter, 1979
8. Rachlin & Vogt, 1974
9. Powlishta, Serbin, & Moller, 1993

1. Man made language (1990)
2. Schau and Scott (1984)
3. Ashton, 1978

محدود به تعصب نسبت به دخترها و زنان نمی‌شود. برای مثال پدرها نسبتاً نقش کمتری در زندگی فرزندانشان داشتند. آیا ممکن است تغییر نقش زنان و فرصت‌های بیشتر برای آن‌ها در طول دهه‌های اخیر سبب کاهش تعصب نسبت به جنسیت‌ها شده باشد؟ در حقیقت، الگوی تغییرات در طول دهه و با مطالعه تغییر کرده است (کلارک، گویلین، ساسیر و تاوارز، ۲۰۰۳: ۴۳۹-۴۴۹). راجع به ناهماهنگی تغییرات در کتاب‌های برنده جایزه کالدکوت و کتاب‌های دوم در لیست بهترین‌ها از دهه ۳۰ تا ۶۰ عنوان می‌کنند که: دو قدم پیشرفت، یک قدم پس رفت. آن‌ها دریافتند که رفتار قالبی داشتن و کم‌نمایی مرتباً افزایش و کاهش داشته و رابطه آن‌ها نسبت به هم معکوس بوده است. در دهه‌هایی که رفتار قالبی کلیشه‌ای نسبت به زنان بیشتر بود (دهه ۳۰ تا ۵۰)، حضور زنان بیشتر و بهتر بود و برعکس، در دهه‌های ۴۰ و ۶۰ شخصیت‌های زن بیشتر کلیشه‌ای بود اما حضور آن‌ها کم نبود. چگونگی بروز جنسیت در زبان از جمله ضمیرهای جنسیت در بعضی زبان‌ها گاهی اوقات در یک زبان تمایز بین ویژگی‌های منحصر به فرد و ترجیحی جنسیتی در نظر گرفته شده است. این‌ها به اصطلاح ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که فقط توسط سخنرانان (خطاب به آن‌ها) از یک جنسیت خاص استفاده می‌شود. شما می‌توانید بعضی از جنبه‌های اصطلاحات خویشاوندی را به عنوان اصطلاحات انحصاری جنسیتی در نظر بگیرید؛ مثلاً عبارت عمه کت (Auntie Kath) به شنونده می‌گوید که شخص مورد اشاره شما یک زن است. به‌طور مشابه، اصطلاح نوه پسر (grandson) و دختر برادر یا خواهر (niece)، به ما می‌گوید خطاب شونده‌گان به ترتیب مذکر و مؤنث هستند. از سوی دیگر، اصطلاح «پسر- دخترخاله» (cousin) ممکن است به یک مرد یا زن اشاره کند. اصطلاحات خویشاوندی که جنسیت فرد مورد خطاب را مشخص می‌کنند حتی در زبان‌های نزدیک و در فرهنگ‌هایی که ارتباط متقابل زیادی دارند، متفاوت است. مثلاً، در آلمانی، Enkel از نظر جنسیتی خنثی است، اما معادل انگلیسی آن اصطلاحات جنسیتی «نوه پسر» (grandson) و «نوه دختر» (granddaughter) هستند. در مائوری (زبان پولینزی که در نیوزیلند صحبت می‌شود)، کلمات مربوط به برادر و خواهر به شما اطلاعاتی را راجع به فرد خطاب شونده و سخنران می‌دهند؛ بنابراین کلمه

۱ (۱۹۷۲) نشان می‌دهد که حضور کم زنان و دختران و خصوصیات اخلاقی هر یک از جنسیت‌ها در نمونه‌های مختلفی از کتاب‌های عکس‌دار کودکان مرسوم است و پیشگامان در این حوزه کتاب‌های مربوطه را مطالعه کردند: کتاب‌های برنده جایزه کلدکوت^۲ و کتاب‌های موجود در فهرست افتخار (کتاب‌های دوم، در لیست بهترین‌ها) از ۱۹۳۸ تا ۱۹۷۰، همچنین برنده‌های جایزه نوبری^۳، کتاب‌های کوچک طلایی و نمونه کتاب‌های مربوط به آداب معاشرت مربوط به همان بازه زمانی. آن‌ها مشخص کردند که شخصیت‌های زن در این کتاب‌ها حضور کم‌رنگی داشتند. پژوهشگران با بررسی کتاب‌های برنده جایزه کلدکوت و کتاب‌های موجود در فهرست افتخار دریافتند که شخصیت‌های مذکر به مراتب بیشتر از شخصیت‌های مؤنث بودند و مردان بیشتر در کارهای بیرون از خانه شرکت داشتند و از زنان ماجراجوتر و سرزنده‌تر بودند، در حالی که شخصیت‌های مؤنث کم‌اثرتر بودند و بیشتر در کارهای خانگی مشغول بودند (فیشر، ۱۹۷۶؛ نیلسن، ۱۹۷۱؛ ویتزمن، ۱۹۷۲). ویتزمن این گرایش را به‌خوبی توصیف کرده است: «اکثر کتاب‌های کودکان راجع به پسرها و حیوانات نر و اکثراً با ماجراجویی‌های جنسیت مرد سروکار دارد.» اکثر مطالعات اخیر تأیید کرده‌اند که تعصب نسبت به جنسیت کماکان ادامه پیدا کرده است (ویتزمن ۱۹۷۲: ۱۲۸). به نظر بارت (۱۹۸۶: ۳۴۳)^۴ حضور بیشتر مردان نه تنها در نمونه‌های گسترده‌ای از ادبیات کودکان یافته شد بلکه در کتاب‌های برنده جایزه هم به‌خوبی مشهود بود. توگنولی (۱۹۹۴) در بررسی آثار آن‌ها پی برد که ۱۲ تحقیق از سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۳، تبعیض جنسیتی را در نمونه‌های وسیع و گوناگون ادبیات و کتاب‌های کودکان بررسی کرده‌اند که شامل: کتاب‌های برنده جایزه کالدکوت و نوبری و کتاب‌های رتبه دوم در لیست بهترین‌ها، کتاب‌هایی که هیچ جایزه‌ای دریافت نکردند و حتی کتاب‌های عکس‌دار فرانسوی کودکان. متغیرهای وابسته و نمونه کتاب‌های مختلف در این تحقیق، هر ۱۲ تحقیق نوعی تعصب جنسیتی را نشان می‌دادند. اخیراً مطالعه‌ای از (اندرسون و همپلتون، ۲۰۰۵: ۱۴۵-۱۵۱) نشان داد که تعصب جنسیتی در کتاب‌های عکس‌دار کودکان

1. Fisher, 1976; Nilsen, 1971, 1978; Weitzman et al. 1972
2. Caldecott
3. Newbery
4. Barnett (1986)
5. Anderson and Hamilton (2005)

از راه‌های ارائه‌ی این الگوست. این‌که نگاه نویسنده به قهرمانان مؤنث و مذکر در چه چارچوبی شکل گرفته، اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا خواننده‌ی نوجوان با خواندن یک اثر با شخصیت‌های آن همذات‌پنداری کرده، خود را به‌جای آن‌ها قرار می‌دهد و از کنش‌هایشان تأثیر می‌پذیرد. لحن و زبان اثر نیز از عوامل مهمی است که می‌تواند بازتاب نگاه نویسنده به مقوله‌های جنسیت باشد. بنابراین بازتاب هویت جنسیتی در آثار ادبی، هم در محتوا و هم در فرم قابل‌بررسی است. یا نمونه‌های کلی را بگوییم. در مقابل، الگوهایی قرار دارند که تصویری صادقانه و بی‌طرفانه از جنسیت ارائه می‌دهند و به‌دوراز پیش‌داوری‌ها، به بازتاب نگاهی انسانی و واقع‌بینانه بر اساس مقتضیات زمانه، می‌پردازند. بازتاب این الگوها در ادبیات، با توجه به اینکه مردانگی و زنانگی مفاهیمی هستند که در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند، می‌تواند به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرد. چگونگی ترسیم شخصیت‌ها دو پیشینه پژوهش مطالعه‌ای (قاراخانی، ۱۳۸۶) هویت جنسیتی دختران و نیز نگرش آنان به ارزش‌های زنانه و رابطه آن با پایگاه اجتماعی اقتصادی را مطالعه کرد. با انجام پیمایش و استفاده از نمونه‌های معرف دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران، هویت جنسیتی دختران و نیز نگرش آنان به ارزش‌های زنان و رابطه آن با پایگاه اجتماعی - اقتصادی را مورد مطالعه و نتایج این پژوهش ضمن اذعان به وجود تنوعی از هویت‌های زنانه در میان دخترهای دانش‌آموز شهر تهران، برخی اختلافات را در زمینه نگرش به ارزش‌های زنانه نشان می‌دهد. بر این اساس دختران متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر پایبندی کمتری به ارزش‌های زنانه دارند درحالی‌که پایبندی دختران متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تر به ارزش‌های زنانه بیشتر است. همچنین رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و هویت جنسیتی دختران وجود ندارد و در هر دو پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر و پایین‌تر توزیع مشابهی از هویت‌های چهارگانه (زنانه، مردانه، دوجینی و نامتمایز) وجود دارد.

بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان در مقاله صادقی جعفری (۱۳۸۷) نشان داد که نگرش نویسندگان نسبت به نقش‌های جنسیتی طی سه دوره زمانی جنگ، سازندگی و اصلاحات با تغییر واقعیت‌ها متفاوت است. نتایج پژوهش او بیانگر آن است که چیرگی کامل ارزش‌ها مربوط به

"teina" به شما می‌گوید که سخنران به یک خواهر یا برادر کوچک‌تر از خود که دارای جنسیت مشابه با اوست (برادر کوچک‌تر برای سخنران مرد، خواهر کوچک‌تر برای سخنران زن) اشاره دارد. اگر یک مرد بخواهد به خواهر خود اشاره کند، از یک کلمه کاملاً متفاوت مثل "tuahine" استفاده می‌کند که این می‌تواند به خواهر کوچک‌تر یا بزرگ‌تر اشاره کند. زمینه زبان و جنسیت یکی از پویاترین زبان‌شناسی اجتماعی است (میرهوف، ۲۰۰۶: ۳۸۶).

جایگاه و نقش زن، مرد کتاب عکس‌دار کودکان

در دهه‌های اخیر، با توجه به گسترش بحث‌های برابری طلبانه بین زنان و مردان و نقد کلیشه‌های تبعیض جنسیتی، بررسی ردپای جنسیت در آثار ادبی به یکی از دغدغه‌های منتقدان و پژوهشگران ادبیات تبدیل شده است. ادبیات داستانی به‌عنوان اجتماعی‌ترین گونه‌ی ادبیات، می‌تواند بهترین منبع برای دست یافتن به تصویری باشد که ادبیات کودک و نوجوان ایران، در طول زمان از مفهوم جنسیت ارائه می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد، ادبیات یکی از نهادهایی است که در جریان اجتماعی شدن مخاطب، به انتقال مفاهیم، سنت‌ها، ارزش‌ها و ... می‌پردازد و تصویرهای ذهنی او را می‌سازد. در همین راستا، تأثیرپذیری مخاطب از چگونگی ترسیم هویت جنسیتی انکارناپذیر است. در این زمینه ادبیات می‌تواند کارکردهای متفاوت و گاه متضادی داشته باشد. ادبیات داستانی می‌تواند تبدیل به محملی شود که الگوهای پیش‌ساخته‌ی زنانه/ مردانه را به مخاطب خود منتقل کند و با تأکید بر تفاوت‌ها و با تصویر کردن جهان مردانه/ زنانه، بر تقابل‌ها دامن بزند. الگوهایی که در راستای ترویج کلیشه‌های جنسیتی پنداشتن جنس مؤنث و قرار دادنش زیر سایه‌ی جنس مذکر، اعتمادبه‌نفس دیگری حرکت می‌کنند، با و خودباوری را از خواننده دختر می‌گیرند و انفعال را جایگزین آن می‌کنند (میرهوف، ۲۰۰۶: ۳۸۶). در مقابل، الگوهایی قرار دارند که تصویری صادقانه و بی‌طرفانه از جنسیت ارائه می‌دهند و به‌دوراز پیش‌داوری‌ها، به بازتاب نگاهی انسانی و واقع‌بینانه بر اساس مقتضیات زمانه می‌پردازند. بازتاب این الگوها در ادبیات، با توجه به اینکه مردانگی و زنانگی مفاهیمی هستند که در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند، می‌تواند به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرد. چگونگی ترسیم شخصیت‌ها در آثار ادبیات داستانی کودک و نوجوان، یکی

ایدئولوژی مردسالارانه در ذهن نویسندگان و احتمالاً خوانندگان وجود دارد به گونه‌ای که حتی نویسندگان زن نیز در بیشتر داستان‌های خود شخصیت‌های اصلی را از میان مردان انتخاب کرده‌اند.

حاضری و احمدپور در پژوهش خود با عنوان بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال ۸۹-۱۳۸۸ می‌گویند: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در بخش کمی، به مردان بسیار بیش از زنان پرداخته شده است و زنان با معیار این شاخص‌ها حضور چندانی در کتاب‌های مورد بررسی ندارند (حاضری و احمدپور، ۱۳۹۱: ۹۶-۷۵). از نظر کیفی زنان در اندک موارد حضور، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی می‌شوند. در مقابل، مردان در موارد بسیاری، حاضر در اجتماع، صاحب قدرت، دانا و عاقل، مدیر و کاردان، شجاع و جنگنده تصویر شده‌اند به نظر می‌رسد کلیشه‌های جنسیتی رایج در اجتماع، در کتاب‌های مورد بررسی نیز بازتولید شده‌اند. تاکنون پژوهش‌های انجام شده در کتاب‌های تحصیلی صورت گرفته و توجهی به کتاب‌های داستانی که والدین و یا مربی‌های مهدکودک برای کودکان می‌خوانند که اهمیت بالایی در شکل‌گیری هویت جنسیت کودکان دارند صورت نگرفته است.

نیلسون (نیلسون^۱، ۱۹۷۸: ۲۵۵-۲۵۹) روندی نزولی از بودن شخصیت‌های زن در کتاب‌های برنده کالدکوت در دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ را نشان داد و کارتنهاوس و دمارست (کارتنهاوس و دمارست ۱۹۹۳) نشان دادند که رفتارهای قالبی در کتاب‌های برنده جایزه در دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ به‌طور ثابت افزایش داشته است. محققان متعددی دریافته‌اند که در دهه ۸۰ بازنمایی و نمایش سیرت زنان افزایش یافته است. اگرچه، این افزایش نسبتاً ضعیف بود. چون نمایش کم سیرت زن ادامه پیدا کرد. به نسبت هر دو مرد یک زن نمایش داده می‌شد و به نسبت هر سه مرد کارمند، یک زن کارمند وجود داشت. برای مثال (ای. ام. آلن، دی. ان. آلن و سیگلر^۲، ۱۹۹۳: ۶۷-۷۳) با مقایسه کتاب‌های افتخاری و برنده جایزه کالدکوت نشر شده در بازه‌های زمانی ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ و ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ تنها یک‌بار نمایش برابر زن و مرد را مشاهده کردند. تپر و کاسیدی^۳ (۱۹۹۹) اهمیت بررسی محبوب‌ترین کتاب‌های عکس‌دار را

ذکر کردند و کتاب‌های خواننده‌شده توسط ۴۷ خانواده در طول یک هفته را بررسی کردند. ۴۳۳ کتاب لیست شده توسط اولیای کودکان پیش‌دبستانی برنده جایزه کلدکوت نبودند که نشان می‌دهد نمونه کتاب‌های استفاده شده برای بسیاری از درس‌های ادبیات کودکان (که فقط شامل کتاب‌های کالدکوت و افتخاری می‌شد) ممکن است بازتابی از آنچه کودکان می‌خوانند یا برای آن‌ها خوانده می‌شود نباشد. تپر و کاسیدی به دلیل تأثیری که کتاب‌های کالدکوت روی محدوده ادبیات کودکان دارند، ۱۸ برنده کالدکوت را به نمونه کتاب‌هایشان اضافه کردند. آن‌ها دریافته‌اند که در کتاب‌های غیر کالدکوت در عنوان‌ها، شخصیت‌های مرکزی و تصاویر، خصوصیات و شخصیت مردان به‌طور قابل توجهی بیشتر از زنان به چشم می‌خورد. بدون هیچ استثنایی، نتایج برای کتاب‌های کالدکوت هم مشابه بود. برخلاف نتایج یافت شده برای کتاب‌های غیر کالدکوت، در نمونه عنوان‌های کتاب‌های کالدکوت تعداد شخصیت‌های مذکر از مؤنث بیشتر نبود. همچنین، شخصیت‌های مرد در کتاب‌های کالدکوت با کلمات هیجانی بیشتری همراه بودند تا شخصیت‌های زن، اما در کتاب‌های غیر کالدکوت چنین تفاوتی دیده نشد.

بقیه محققان لازم دانستند کتاب‌های کتابخانه‌های محلی قابل استفاده برای کودکان که جایزه‌ای دریافت نکرده‌اند را مطالعه کنند. بارت (۱۹۸۶) مجموع ۱۵۳۷ کتاب عکس‌دار را مطالعه کرد. او محل کتاب‌های تصویری کودکان در یک کتابخانه عمومی را به ۱۸ قسمت تقسیم کرد و یک فرد را برای هر بخش گماشت تا همه کتاب‌های آن قسمت را بررسی کند. مک‌دونالد^۴ (۱۹۸۹) ۲۲ کتاب برنده کلدکوت و ۱۹ کتاب بدون دریافت جایزه از قفسه‌های یک کتابخانه عمومی و یک دانشگاه را به‌طور انتخابی بررسی کرد. روش نمونه‌برداری منحصربه‌فرد دیگری توسط توگنولی و همکاران به کار برده شد. آن‌ها به‌طور انتخابی ۲۰۰ کتاب از قفسه‌های سه کتابخانه در نیویورک را انتخاب کردند. محققان ۱۰۰ کتاب که قبل از ۱۹۸۰ چاپ شده بودند و ۱۰۰ کتاب که بعد از آن چاپ شده بودند را بررسی کردند. توگنولی و همکاران (۱۹۹۴) دریافته‌اند، اگرچه بیشتر مردان کتاب‌های قبل از ۱۹۸۰ را تألیف کرده‌اند، برعکس آن برای کتاب‌های بعد از ۱۹۸۰ صدق می‌کرد. عنوان کتاب‌ها در هر دو نمونه صرف‌نظر از جنسیت مؤلف یا با شخصیت‌های مذکر

1. Nilsen, 1971, 1978

2. A. M. Allen, D. N. Allen, and Sigler (1993)

3. Tepper & Cassidy, 1999

کودکان دوست داشتند که شخصیتی را به‌عنوان مرد در نظر بگیرند ما هم آن شخصیت را مرد در نظر می‌گرفتیم. در نبود سرنخی قوی دال بر اینکه شخصیتی مؤنث است، براساس تمایل مردم که آن شخصیت و یا حیوان در داستان مذکر یا مؤنث است، می‌توان حالتی را در نظر گرفت.

در این پژوهش ۲۲ مؤلفه شامل عنوان کتاب، سال چاپ و مؤلف بررسی شد. همچنین تعداد جنسیت‌های مذکر و مؤنث شخصیت‌های عنوان کتاب‌ها، شخصیت‌های اصلی و کلیه شخصیت‌ها و تعداد دفعات نمایش هر جنسیت را مورد شمارش قرار دادیم. شخصیت‌ها می‌توانند انسان، حیوان یا گیاه و روایت و ... باشند. برای دسته‌بندی تعداد شخصیت‌ها به تعداد اسم‌های مذکر یا مؤنث به‌کاربرده شده در کتاب‌ها توجه شده بود. چون تعداد کتاب‌هایی که در عنوان آن‌ها از هر دو نام مذکر و مؤنث استفاده شده بود خیلی کم بودند، این کتاب‌ها را بررسی نکردیم. علاوه بر آن، متغیرهای ویتزمن و ویلیامز استفاده و بررسی شدند. در میان مواردی که در این پژوهش بررسی شدند می‌توان به این موارد اشاره کرد: چقدر شخصیت‌های اصلی زن یا مرد به‌صورت فعال حضور داشتند، چه مقدار در خانه و یا بیرون خانه یافت شدند، چه تعدادی توسط شخصیت دیگری نجات داده شدند، از دیگران حمایت می‌کردند و یا از آن‌ها حمایت می‌شد. آمارگیران میزان دفعاتی که شخصیت اصلی داستان فعال یا غیرفعال بود و میزان دفعاتی که در خانه یا بیرون از خانه دیده شد را شمارش کردند. همچنین تعداد دفعاتی که شخصیت داستان کسی را نجات می‌داد یا موردحمایت واقع می‌شد، شمارش شد. سپس براساس میزان رفتاری که هر شخصیت بیشتر انجام داده بود، رده‌بندی می‌شد. برای تعیین میزان اعتبار آماری که برای متغیرهای اسمی مانند جنسیت شخصیت عنوان داستان و شغل سنتی در مقابل غیر سنتی، خوانندگان داده بودند، از ارزیابی‌های کوهن استفاده شد.

نتایج

برای بررسی انواع داده‌ها از آزمون تی استیودنت استفاده شد. داده‌های اسمی با آزمون کایس اکوئر بررسی شدند و از سطح آلفای ۰/۰۵ استفاده شد.

فرضیه ۱) تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر هستند.

تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان تقریباً دو برابر زنان بود. تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان ($f=133.2$) استفاده

نام‌گذاری می‌شد یا جنسیتی نامشخص. در بقیه مطالعات انجام‌شده، (هینتز ۱۹۸۷: ۶۷-۶۸)؛ و (کولب و لاووی، ۱۹۸۱: ۳۶۹-۳۷۴) هیچ رابطه‌ای بین جنسیت شخصیت اصلی و جنسیت مؤلف نیافتند.

هدف و فرضیه‌های پژوهش حاضر بررسی جایگاه و نقش زن، مرد و کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات کودکان است. در این مطالعه فرضیه‌های صفری را طراحی و بررسی کردیم:

۱. تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر هستند.
۲. در متن شخصیت‌های اصلی زن، مساوی با شخصیت‌های مرد و تعداد زنان در صحنه‌های داخل خانه و صحنه‌های بیرون از خانه به‌اندازه مردان است.
۳. در حرفه‌ها و شغل‌ها تبعیض جنسیتی وجود نداشته و تعداد مردان و زنان کاری بدون درآمد داشته باشند.
۴. تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر هستند و شمار شخصیت‌ها و اسمی مردها مساوی زن‌ها هست. چون ادبیات به ما این را می‌گوید.

روش

انتخاب کتاب

نمونه ما شامل ۲۰۰ کتاب شامل کتاب‌هایی که بیشترین فروش را از سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ داشته‌اند و در ۱۰ سال، نمونه کتاب‌هایی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان کتاب برتر معرفی شدند است. کتاب‌ها برای محدوده سنی ۳-۷ می‌باشند و جنسیت نویسنده‌ها تصادفی انتخاب شده‌اند.

روش تحقیق

گاهی اوقات سخت می‌شد حدس زد که تصویری برای نمایش مرد یا زن طراحی شده است، اما گاهی اوقات می‌شد از طریق ضمیرها و سرنخ‌های موجود در متن، آن شخصیت را شناسایی کرد. اگر شخصیت تصویر در متن حضور نداشت، با استفاده از سرنخ‌های تصویر مانند رنگ لباس، حالت بدنی و ویژگی‌های صورت، قضاوت‌های ذهنی صورت می‌دادیم. دوگرتی و انجل^۲ (۱۹۸۷) عکس‌ها را خنثی در نظر می‌گرفتند مگر اینکه آن عکس سرنخ‌های واضحی از جنسیت شخصیت موردنظر را دارا بود. ما از استاندارد دیگری استفاده کردیم. اگر

1. Heintz (1987) and Kolbe and LaVoie (1981)
2. Dougherty and Engel (1987)

کرده‌اند تا مؤنث (SD=1.02, p<0.002, f=68.8).

فرضیه ۲) در متن شخصیت‌های اصلی زن، مساوی با شخصیت‌های مرد و تعداد زنان در صحنه‌های داخل خانه تا صحنه‌های بیرون از خانه به‌اندازه مردان است. شخصیت‌های اصلی زن، در متن بیشتر دیده می‌شدند شخصیت‌های اصلی مؤنث (M=0.70, SD=0.92) بیشتر از شخصیت‌های اصلی مذکر (M=0.21, SD=0.49) در متن بیشتر دیده می‌شدند، $t(125)=3.89, p<0.0001$ ، تقریباً شخصیت‌های اصلی مؤنث بیشتر در خانه دیده شدند تا بیرون از خانه؛ ۲۷ بار درون خانه، ۱۹ بار بیرون خانه. اگرچه شخصیت‌های مذکر بیشتر خارج از خانه حضور می‌یافتند؛ ۳۷ بار در خانه و ۵۰ بار بیرون از خانه. (1, X2

N=133)=3.15, p=0.08

فرضیه ۳) در حرفه‌ها و شغل‌ها تبعیض جنسیتی وجود نداشت و تعداد زنان و مردان، کاری بدون درآمد داشته باشند. در مطالعه حاضر در حرفه‌ها و شغل‌ها تبعیض جنسیتی وجود داشت و بیشتر زنانی دیده می‌شدند که کاری بدون درآمد داشته باشند. در نمونه کتاب‌های ما مردان شاغل نسبت به زنان شاغل درآمد بیشتری داشته‌اند. تنوع شغلی نیز برای مردان بیشتر بود. ۲۰ شغل با درآمد مختلف (از جمله دکتر، مدیر، قصاب) برای مردان و ۵ شغل برای زنان (از جمله عنوان پرستار بچه، خدمتکار، پرستار، خیاط، لحاف‌دوز) وجود داشته است.

	فرضیه	وضعیت شاخص	نتایج
تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان در فیلم	تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر هستند.	شخصیت مرد	f=133.2
		شخصیت زن	f=68.8
	شخصیت‌های اصلی زن، مساوی با شخصیت‌های مرد	شخصیت مرد	M=0.21
		شخصیت زن	M=0.70

بحث و نتیجه‌گیری

هدف و انگیزه انجام این پژوهش بررسی جایگاه و نقش زن، مرد و کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات کودکان است. در این مطالعه تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر، میزان شخصیت‌های اصلی زن در متن، با شخصیت‌های مرد و همچنین تعداد کمتر زنان در صحنه‌های داخل خانه تا صحنه‌های بیرون از خانه بررسی شدند. همچنین وجود تبعیض جنسیتی در حرفه‌ها و شغل‌ها و تعداد کمتر زنان کاری بدون درآمد و عدم برابری تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان و زنان برابر و شمار شخصیت‌ها و اسمی بیشتر مردها از زن‌ها مطالعه و مورد بررسی قرار گرفت. چنین تمایلی با مطالعه روی افراد نشان داده شده است. همیلتون و کول دریافتند که وقتی به فردی اشاره می‌شود بدون اینکه نشانه‌ای از مذکر یا مؤنث بودن آن وجود داشته باشد، منظور این است که آن شخصیت یا حیوان مذکر است. (لمبدین^۱، ۲۰۰۳: ۴۷۱-۴۸۲) سه تحقیق بر روی درک

کودکان و بزرگسالان از اسباب‌بازی‌های عروسکی انجام داد. هم کودکان و هم بزرگسالان عروسک‌های حیوانی که شخصیت آن‌ها مشخص نبود را همواره مذکر در نظر می‌گرفتند. هدف این پژوهش شخصیت‌هایی که در شلوغی و انبوه جمعیت ظاهر می‌شدند نبود، بنابراین، اگر بیشتر از شش شخصیت زن و مرد در تصویری مشاهده می‌شد، هر جنسیتی که تعدادش بیشتر بود را برای آن تصویر در نظر می‌گرفتیم. اگر تعداد شخصیت‌های مؤنث و مذکر برابر بود ما آن عکس را در بررسی‌های خود در نظر نمی‌گرفتیم.

در نمونه‌های ما از ۲۰۰ کتاب پرفروش، شخصیت‌های مردانه حدود دو برابر شخصیت‌های زنانه بودند (۲۰۱۳۳ در مقابل ۸۶۸). یافته‌های ما متفاوت از یافته‌های تونگولی و دیگر محققان (۱۹۹۴)، هینتسز (۱۹۸۷)، کولب و لاووی (۱۹۸۱) بودند. کسانی که نشان دادند در کتاب‌های منتشر شده دهه‌های ۸۰ و ۹۰ مؤلفان زن و مرد به‌اندازه یکسانی متمایل به کوچک شمردن شخصیت‌های زنان بودند. شاید مؤلف آگاهانه یا ناآگاهانه به این تبعیض جنسیتی زیرکانه متوسل شده تا تبعیض جنسیتی بیش از این آشکارا نادیده

1. Lambdin et al.

زنان افزایش یافت اما در مقایسه با محدوده شغلی مردان در دو دهه قبلی، مردها هنوز در محدوده وسیع‌تری از مشاغل نسبت به سن‌ها به نمایش درآمده‌اند. (۲۰۷:۱). واقعیت دیگری که در ایفای نقش شخصیت‌های مؤنث در کتاب‌های تصویری تأثیر دارد، این است که کتاب‌های به‌اصطلاح پسرانه به‌اندازه فیلم‌های پسرانه و کتاب‌های کمیک و موسیقی، پرفروش‌تر از کتاب‌های دخترانه هستند. به نظر رایدر^۴ (۲۰۰۰) اگر ما در جامعه‌ای تساوی طلب زندگی می‌کردیم که ارزش بالایی برای دختران و زنان و خصوصیت‌های زنانه سنتی قائل می‌شد، آن وقت داستان‌هایی که در مورد دختران و زنان نوشته شده بودند چه با شخصیت‌های سنتی یا غیرسنتی و یا ترکیبی از هر دو (خنثی)، کتاب‌های دخترانه نیز به‌اندازه کتاب‌های پسرانه و مردانه به فروش می‌رفت. به‌عبارت‌دیگر اگر این پویایی است که کتاب‌های پسرانه را پرفروش می‌کند، ایفای نقش وسیع‌تر دختران در نقش‌های پویاتر و بیرونی، می‌تواند کتاب‌های دخترانه را در میان دختران و پسران محبوب‌تر کند. در نتیجه کتاب‌های مدرن تصویری کودکان به تقویت باور مهم‌تر و جالب‌تر بودن پسران و مردان نسبت به دختران و زنان ادامه می‌دهند. هر فرضیه‌ای که آزمودیم با در نظر گرفتن شمار شخصیت‌های مردان در مقابل زنان تصدیق شدند، همانند تمامی نظریه‌ها درباره تفکر کلیشه‌ای شغلی. دو تا از پنج سنجش رفتاری که برآورد کردیم تفاوت‌های کلیشه‌ای در میان جنسیت‌ها نشان دادند. با توجه به مشکلات پایدار الصاقی در کتاب‌های تصویری کودکان، والدین، معلمین و کتابدارها می‌توانند نقش‌های تصویر شده جنسیتی متعادل‌تری را برگزینند تا زمانی که مؤلفان و منتشرکنندگان چنین توازن‌هایی را در اختیار ما قرار دهند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در کتاب‌هایی که بیشترین فروش را از سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ داشته‌اند و در ۱۰ سال، نمونه کتاب‌هایی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان کتاب برتر معرفی شدند، تبعیض جنسیتی یافت می‌شود. تعداد شخصیت‌ها و اسم‌های مردان تقریباً دو برابر زنان بود. شخصیت‌های اصلی زن متن بیشتر دیده می‌شدند.

گرفته نشود. تعصب و کلیشه زمانی که فرم‌های علنی‌تر آن‌ها از لحاظ اجتماعی کمتر موردقبول واقع گردند، تمایل به مخفی شدن دارند. مثلاً، در تبعیض نژادی نمادین (سیرز، پیلو و تیلور^۱ ۱۹۹۱). سال‌ها قبل گافمن^۲ (۱۹۷۶) در بررسی‌هایش درباره جهت‌گیری تعصب جنسیتی در تبلیغات، به تبعیض جنسیتی تصویری آشکاری دست یافت. چنین نشانه‌ای به‌عنوان میزان دسته‌بندی مدل‌های زن نمرد، تفاوت‌های ژستی، مغایرت چشم/سر، تفاوت‌های اغراق‌آمیز قدی و عضلانی و تصرف مکانی، مردها را از زن‌ها متمایز کرد. ما نمونه‌هایی را از چنین تبعیض‌های جنسیتی در چندین کتاب تصویری یافتیم. برای نمونه: در سرصفحه «خوک‌ها در احتمالات- اکسلورد ۲۰۰۰» شخصیت مرد در ماشین را برای شخصیت زن باز می‌کند درحالی که زن به مرد نگاه می‌کند و کیفیت‌دستی‌اش را برمی‌دارد. در صفحه ۶ کتاب «در آغوش پدر من رشیدم- استپتو ۲۰۰۱» پدر که کتوشلوار مشکی به تن کرده بود، همراه مادر که تور سفید پوشیده بود قدم‌به‌قدم به سمت کلیسا می‌رود. پدر به همسرش نگاه می‌کند و مادر به زمین. این قالب مشخص و دیگر قالب‌های تبعیض جنسیتی در کتاب‌های تصویری کودکان باید صریحاً شناخته شوند.

اشتغال کلیشه‌ای از بین نرفته است. زنان و مردان بیشتر تمایل به داشتن مشاغل سنتی داشتند تا غیرسنتی. مردها بیش از ۹ بار در مشاغل سنتی دیده شدند تا غیرسنتی؛ و زن‌ها ۱۰ بار بیشتر از مشاغل غیرسنتی در مشاغل سنتی به نمایش درآمدند.

برای مثال: شخصیت برجسته زن بالغ داستان «روز اول مدرسه برای کلیفورد- بریدول^۳ ۱۹۹۹» یک معلم است. شخصیت برجسته زن داستان «افسانه‌های تمساح- اسمیتن ۲۰۰۱» یک مهماندار هواپیماست. شخصیت داستان «امیدوارم هنس اینجا باشد! گیلکو ۲۰۰۰» یک کتابدار است. و در داستان «درخت کریسمس آقای ویلوبی- باری ۲۰۰۰» یک پیشخدمت است. شخصیت‌های مؤنث برجسته در کتاب‌های دیگر به‌عنوان پرستار بچه، خدمتکار، پرستار، خیاط، لحاف‌دوز و رقاصه به نمایش درآمدند. علاوه‌براین درحالی که تنها گروه کوچکی از مردان یا زنان به‌وضوح مشاغل بیرون از خانه داشتند، بیش از دوسوم آن‌ها مرد بودند. اگرچه محدوده مشاغل

1. Sears, Peplau, & Taylor, 1991

2. Goffman

3. Clifford's First School Day -Bridwell, 1999

4. Rider, 2000

منابع

- حاضری، علی‌محمد، احمدپور خرمی، علیرضا. بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان): پاییز ۱۳۹۱، دوره ۱۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۸); ۷۵-۹۶.
- صادقی جعفری، جواد. بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات سیاسی - اجتماعی. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان). بهار و تابستان ۱۳۸۷، دوره ۶، شماره ۱; ۷۱-۹۰.
- قاراخانی، معصومه. دختران جوان و ارزش‌های زنانگی *Teacher*, 40, 394-398.
- Fisher, E. (1976). The second sex, junior division. In M. L. White (Ed.). *Children's literature: Criticism and response*. Columbus, OH: Merrill.
- Heintz, K. E. (1987). An examination of the sex- and occupational role presentations of female characters in children's picture books. *Women's Studies in Communication*, 10, 67-68.
- Kolbe, R. & LaVoie, J. C. (1981). Sex-role stereotyping in preschool children's picture books. *Social Psychology Quarterly*, 44, 369-374.
- Kortenhaus, C. M. & Demarest, J. (1993). Gender role stereotyping in children's literature: An update. *Sex Roles*, 28, 219-232.
- Lambdin, J. R., Greer, K. M., Jibotian, K. S., Wood, K. R. & Hamilton, M. C. (2003). The animal= male hypothesis: Children's and adults' beliefs about the sex of non-sex-specific stuffed animals. *Sex Roles*, 48, 471-482.
- Meyerhoff, M. (2006). *Introducing Sociolinguistics* (2nd Ed.). Routledge.
- McDonald, S. M. (1989). Sex bias in the representation of male and female characters in children's picture books. *Journal of Genetic Psychology*, 150, 389-401.
- Nilsen, A. P. (1971). Women in children's literature. *College English*, 32, 918-926.
- Nilsen, A. P. (1978). Five factors contributing to the unequal treatment of
- (پژوهشی در میان دانش آموزان متوسطه شهر تهران). مطالعات فرهنگی و ارتباطات: پاییز ۱۳۸۶، دوره ۳، شماره ۹; ۷۳-۱۰۰.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲). (هژمونی مردانه جامعه‌پذیری در ایران))، مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴، ۱۳۳-۱۵۵.
- منجری، فرمهر، مقاله تأثیر قصه در خلاقیت و رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان، برگرفته از <http://www.ccdcir.com>
- Allen, A. M., Allen, D. N., & Sigler, G. (1993). Changes in sex-role stereotyping in Caldecott Medal Award Picture Books 1938-1988. *Journal of Research in Childhood Education*, 7, 67-73. <https://doi.org/10.1080/02568549309594842>
- Anderson, D., A. & Hamilton, M. (2005). Gender role stereotyping of parents in children's picture books: The invisible father. *Sex Roles*, 52, 145-151. <https://doi.org/10.1007/s11199-005-1290-8>.
- Ashton, E. (1978). The effect of sex-role stereotyped picture books on the play behavior of three- and four-year-old children. PhD Dissertation, University of Massachusetts.
- Barnett, M. A. (1986). Sex bias in the helping behavior presented in children's picture books. *Journal of Genetic Psychology*, 147, 343-351.
- Clark, R. & Guilmain, J., Saucier, P. K. & Tavaréz, J. (2003). Two steps forward, one step back: The presence of female characters and gender stereotyping in award-winning picture books between the 1930s and the 1960s. *Sex Roles*, 49, 439-449.
- Cole, C., Maureen, H., Frances, A. & Dayley, L. F. (1983). Do masculine pronouns used generically lead to thoughts of men? *Sex Roles*, 19, 785-798.
- Dougherty, W. H. & Engel, R.E. (1987). An 80s look for sex equality in Caldecott winners and honor books. *Reading*

- females in children's picture books. *Top of the News*, 34, 255–259.
- Peterson, S. B. & Lach, M. A. (1990). Gender stereotypes in children's books: Their prevalence and influence on cognitive and affective development. *Gender & Education*, 2, 185–197.
- Powlishta, K. K., Serbin, L. A. & Moller, L. C. (1993). The stability of individual differences in gender typing: Implications for understanding gender segregation. *Sex Roles*, 29, 723–737.
- Rachlin, S. K. & Vogt, G. L. (1974). Sex roles as presented to children in coloring books. *Journal of Popular Culture*, 8, 549–556.
- Rider, E. A. (2000). *Our voices: Psychology of women*. Belmont, CA: Wadsworth.
- Schau, C. G. & Scott, K. P. (1984). Review of 21 cause and effect studies. *Psychological Documents*, 76, 183–193.
- Spender, D. (1999). *Man Made Language*. Glasgow: Pandora Press.
- Sears, D. O., Peplau, L. A. & Taylor, S. E. (1991). *Social psychology* (7th ed). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- St. Peter, S. (1979). Jack went up the hill...but where was Jill? *Psychology of Women Quarterly*, 4, 256–260.
- Tannen, D. (1999). *You Just Don't Understand: Men and Women in Conversation*. New York: William Morrow.
- Tepper, C. A. & Cassidy, K. W. (1999). Gender differences in emotional language in children's picture books. *Sex Roles*, 40, 265–280.
- Tognoli, J., Pullen, J., & Lieber, J. (1994). The privilege of place: Domestic and work locations of characters in children's books. *Children's Environments*, 11, 272–280.
- Weitzman, L. J., Eifler, D. Hokada, E., & Ross, C. (1972). Sex role socialization in picture books for preschool children. *American Journal of Sociology*, 77, 1125–1150.